

سیاست‌های تعدیل اجرا شده در برنامه اول عمرانی و امنیت غذایی در استان اصفهان

دکتر صادق بختیاری* خدیجه نصراللهی* دکتر مصطفی عمادزاده*

چکیده

سیاست‌های تعدیل اقتصادی در ایران عمدتاً شامل حذف یارانه‌ها، کاهش کسری بودجه دولت، خصوصی سازی اقتصاد و با هدف تجدید سازمان و افزایش کارایی بازار و همچنین دستیابی به تخصیص کارا تر منابع، از سال ۶۸ به مورد اجرا درآمد. بررسی آثار امنیت غذایی حاصل از این سیاست‌ها، موضوع مقاله حاضر را تشکیل می‌دهد. ارزیابی الگوی تغذیه و بررسی‌های انجام شده در ارتباط با وضعیت تغذیه‌ای جامعه شهری و روستایی استان اصفهان طی دوره ۶۸ تا ۷۲. (شروع و پایان اجرای برنامه اول جمهوری اسلامی ایران) نتایج زیر را به دست داده است:

۱. طی سال ۱۳۶۸، فرد شاخص شهری و روستایی در استان اصفهان همواره بیش از حد استاندارد، انرژی، پروتئین، آهن و کلسیم دریافت داشته است. در حالی که این وضعیت در سال ۷۲ یعنی سال پایان برنامه اول عمرانی جمهوری اسلامی ایران، به سمت بدتر شدن تمایل یافته است.
۲. از لحاظ تغذیه، اگرچه در سال ۶۸، همواره ارزش غذایی دریافت شده توسط فرد شاخص شهری، بیش از دریافتی فرد شاخص روستایی است اما در

سال ۷۲، تصویر کاملاً برعکس شده و به نظر می‌رسد که همواره فرد شاخص روستایی بیش از فرد شاخص شهری مواد غذایی دریافت می‌کند.

۳. مقایسه وضعیت تغذیه‌ای جوامع شهری و روستایی، نشان دهنده این مطلب است که ارزش مواد غذایی دریافت شده توسط فرد شاخص شهری نسبت به فرد شاخص روستایی در سال ۷۲، درمقایسه با سال ۶۸ از یک روند به شدت نزولی برخوردار بوده و در موقعیت نامناسب‌تر تغذیه‌ای قرار گرفته است.



مقدمه

به طور منطقی، از جمله مشخصه‌های عمده برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال توسعه، باید حداکثر نمودن رشد اقتصادی و متعادل ساختن توزیع باشد. همچنین، حداکثر کردن رشد اقتصادی باید موجب افزایش هر چه بیشتر رفاه مادی، حداقل به شکل تأمین امنیت غذایی، گردد.

بدیهی است که امنیت غذایی از جمله عوامل تعیین سلامت جامعه است زیرا به طور کلی، مردمی که دچار گرسنگی مزمن هستند در مقایسه با کسانی که غذای کافی می‌خورند، از لحاظ جسمی ضعیف‌تر و از لحاظ فکری استعداد کمتری دارند و از لحاظ ایمنی، مقاومتشان در مقابل امراض بسیار کم و در مقابل تهاجم انگل‌ها که در کشورهای فقیر به وفور یافت می‌شوند، استعداد ابتلای بیشتری دارند.

اگر برنامه غذایی به صورت مشخص، یکنواخت و متشکل از مواد غذایی معدودی باشد و تازه این غذا هم به قدر کافی خورده نشود، بدون تردید فرد از کمبود نوعی پروتئین، ویتامین یا مواد معدنی رنج خواهد برد که برای سلامتی وی بسیار خطرناک خواهد بود و شاید نفرت بارترین جنبه اخلاقی بی‌عدالتی ناشی از سوء تغذیه، این باشد که می‌تواند تعداد کثیری را حتی از درک امکانات بالقوه ژنتیک خود بازدارد. بنابراین، ارزیابی وضعیت امنیت غذایی یک کشور یا ناحیه در تعیین اولویتهای حمایتی، باید، جزء اولین گامها باشد، زیرا عدم توجه به آن می‌تواند موفقیت بسیاری از سیاست‌ها را زیر سؤال برد. به این منظور، در جریان تحقیق حاضر، یکی از نکات مورد توجه، وضعیت توزیع مواد اساسی غذایی بین گروه‌های مختلف درآمدی در قالب دهکهای جمعیتی، خانوار و فرد در هر یک از دهک‌ها و تعیین اقشار آسیب‌پذیر می‌باشد. به همین دلیل، چگونگی مصرف کالری، پروتئین، آهن، کلسیم و فسفر طی دو دوره ۶۸ و ۷۲، مورد محاسبه و ارزیابی قرار می‌گیرد.

هدف اصلی مقاله عبارت از پاسخگویی به این پرسش است که آیا اعمال سیاستهای تعدیل با تأثیراتی که بر توزیع درآمد داشته است، موجب افزایش ضریب امنیت اجتماعی به ویژه در قالب امنیت غذایی می‌گردد یا خیر؟ این فرضیه، بدون استفاده از اطلاعات کمی و آماری در زمینه توزیع درآمد و توزیع مواد اساسی غذایی، قابل آزمون نیست.

مقاله، پس از شرح مختصری در خصوص برنامه‌های تعدیل ساختاری، به تحلیل داده‌ها پرداخته و چگونگی استخراج شاخص‌های مورد نظر را ارایه خواهد داد. سپس، نتایج مربوط به توزیع مواد اساسی غذایی منعکس می‌شود و بخش‌هایی به استنتاج و ارایه رهیافتها اختصاص داده شده است.

۱. مروری بر سیاست‌های تثبیت و تعدیل

عموماً، دهه ۱۹۸۰ را دهه تعدیل برای کشورهای در حال توسعه می‌نامند زیرا به دنبال وقایعی که در دهه ۱۹۷۰ اتفاق افتاد، نقدینگی فراوان حاصله از افزایش قیمت نسبی و اعطای اعتبارات ارزان و بدون حساب بانکهای تجاری به کشورهای در حال توسعه، اغلب این کشورها را با بحران مواجه ساخت.^۱

در این شرایط، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی سیاست‌هایی را پیشنهاد کردند که اولی به سیاست‌های تثبیت و دومی به سیاست‌های تعدیل موسوم گردید. به عبارت دیگر، سیاست‌های تثبیت عبارت از سیاست‌هایی هستند که برای تصحیح عدم توازنهای اقتصادی در کوتاه مدت طراحی و به طور عمده صندوق بین‌المللی پول آنها را مشخص می‌کند. در حالی که سیاست‌های تعدیل ساختاری از طرف بانک جهانی و عموماً با ادعای رفع عدم تعادلهای خارجی (ایجاد تعادل در تراز پرداخت‌ها) و داخلی (کاهش کسر بودجه) پیشنهاد می‌گردد. البته باید اشاره نمود که تقریباً هر کشوری برای دریافت وامهای تعدیل ساختاری بانک جهانی، ملزم به قبول و اجرای برنامه‌های صندوق بین‌المللی پول نیز

می‌باشد. محتوای سیاست تثبیت و تعدیل عموماً براساس سه مؤلفه: (۱) تحدید تقاضا با تأکید بر کاهش مخارج عمومی، کنترل اعتبارات و محدودیت دستمزدهای واقعی، (۲) کاهش ارزش پول ملی و اصلاح نرخ ارز، (۳) اصلاحات مالی و آزادسازی تجاری متمرکز است.

به رغم با وجود تفاوت‌هایی که بین سیاست‌های تثبیت و تعدیل وجود دارد، اهم اقدامات و سیاست‌های اصلاحی این دو نهاد بین‌المللی را می‌توان در سه مقوله خلاصه کرد: الف. کاهش ارزش پول ملی، ب. کاهش مخارج دولت و حذف یارانه‌ها، ج. خصوصی‌سازی. در اوایل دهه ۱۹۸۰، یونیسف به برخی از علایم اولیه روندهای منفی سیاست‌های تثبیت و تعدیل توجه کرد ولی با این وجود، مسأله فقر و بدی توزیع درآمد، کمتر مورد توجه قرار گرفت. در آن زمان، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول هر دو، در این ارتباط مسؤولیتی احساس نکرده و آن را منحصرأ مسأله داخلی قلمداد می‌نمودند. مثلاً، در گزارش توسعه بانک جهانی در ۱۹۹۰ اظهار می‌شود که زمانی که مسایل تعدیل ساختاری محور بررسیها قرار گرفتند، توجه اندکی به تأثیرات آن بر وضع فقرا مبذول شد.^۲

با گذشت زمان، معلوم شد که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، فقر با سرعت زیادی در حال افزایش بوده و پیشرفت شاخص‌های انسانی کند شده است. در سال ۱۹۸۷، یونیسف برنامه‌های تعدیل با چهره انسانی^۳ را که در آن توجه خاصی به اقشار آسیب‌پذیر و حمایت از آنها شده بود، پیشنهاد نمود. از این سال به بعد، در گزارش‌های بانک جهانی، توجه خاصی به آثار کوتاه مدت برنامه‌های تعدیل بر فقر روستایی و شهری شد و در این راه، اقداماتی جهت تقلیل آثار منفی آن پیشنهاد گردید.^۴

2. World Bank (1990)

3. Adjustment Program with a Human Face

4. Zuckerman E. (1989)

در سال ۱۹۹۰، کامدسوس^۵ مدیر عامل صندوق بین‌المللی پول اظهار می‌دارد که سیاستهای اقتصاد کلان می‌توانند بر توزیع درآمد و بر رفاه و برابری اجتماعی، اثرات قوی به جای گذارند. یک برنامه تعدیل باید این اثرات را لحاظ کند، به ویژه زمانی که در ارتباط با آسیب‌پذیرترین یا ضعیف‌ترین گروههای جامعه تنظیم می‌شود.^۶ فرانسس استوارت در کتاب تعدیل اقتصادی و فقر، پس از بررسی تجارب کشورهای مختلف، اینگونه نتیجه‌گیری می‌کند که در اکثر کشورها، سیاست‌های تعدیل و تثبیت با تشدید فقر (که بر حسب کاهش درآمدها اندازه‌گیری می‌شود) و کاهش یا حتی بدتر شدن وضع شاخص‌های اجتماعی همراه بود.^۷ از این رو، مقاله حاضر در صدد است تا فرضیه بدتر شدن توزیع و وضعیت اقشار آسیب‌پذیر در نتیجه اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری در استان اصفهان را مورد بررسی قرار دهد.

۲. روش‌شناسی تحقیق

تعیین عوامل تبیین‌کننده سوء تغذیه در شهر و روستا، گام مؤثری در شناخت هر چه دقیق‌تر قشرهای آسیب‌پذیر خواهد بود. می‌توان انتظار داشت که درآمد، عامل اصلی و تعیین‌کننده شرایط تغذیه فرد و جامعه باشد. ولی در عین حال، بسیاری از محققان معتقدند که با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه مورد بررسی، ممکن است علاوه بر درآمد، عوامل دیگری نیز دخیل باشند که از جمله، بعد خانوار می‌باشند. در خانوارهای با بعد زیاد، افراد و به خصوص کودکان بیشتر آسیب‌پذیر می‌باشند. از عوامل دیگر توضیح دهنده سوء تغذیه، می‌توان به ناحیه جغرافیایی، موقعیت اجتماعی - اقتصادی سرپرست خانوار، سطح تحصیلات پدر و مادر خانوار، نسبت مخارج اقلام عمده غذایی در کل

مخارج ... اشاره کرد. اساساً در کشورها جهان سوم و از جمله ایران، «مخارج غذایی» سهم عمده‌ای از کل مخارج قشرهای کم درآمد را به خود اختصاص می‌دهد و در صورتی که این قشرها با کاهش درآمد یا با شرایط تورمی مواجه شوند، نسبت به کاهش مخارج غذایی، مقاومت بیشتری نشان می‌دهند.

مطالعه شاخص‌های توزیع درآمد و الگوی مصرف در استان اصفهان طی دوره ۷۲-۶۸، از این لحاظ ضروری به نظر می‌رسد که دولت از سال ۶۸ (شروع اجرای برنامه اول جمهوری اسلامی ایران)، اولین مرحله از اقدام‌های مربوط به تعدیل ساختاری اقتصادی را به مرحله اجرا گذاشت لذا این مقطع می‌تواند مبنای مناسبی برای مقایسه در سطح کلان یا ملی و همچنین در سطح منطقه‌ای یا محلی باشد. ضمناً، این نکته شایان ذکر است که رفتار مصرفی جامعه، با فرض ثابت بودن سایر شرایط، پایدار بوده و در کوتاه مدت، تغییرات قابل ملاحظه‌ای در آن مشهود نیست مگر تغییر شرایط برونزا که در اینجا ناشی از عمال سیاست‌های تعدیل ساختاری است. به این دلیل، بررسی این مقطع زمانی می‌تواند نشان‌دهنده الگوی رفتاری جامعه مورد نظر باشد. لذا شناسایی وضعیت دریافتی مواد مختلف اساسی غذایی قبل از بررسی شرایط تغذیه‌ای شهرنشینان و روستانشینان استان اصفهان طی دوره مورد نظر و تعیین مشخصات و سطح سوء تغذیه به منظور سیاست‌گذاری جهت رفع آن، ضروری به نظر می‌رسد. این امر مستلزم دسترسی به پایگاه اطلاعاتی بودجه خانوار در سال‌های مختلف می‌باشد. منبع داده‌های اولیه این تحقیق، «آمارگیری هزینه - درآمد خانوارهای نمونه در استان‌های مختلف کشور» از مجموعه آمارهای بانک اطلاعاتی مرکز آمار ایران می‌باشد.

تعداد خانوار نمونه که در سال ۶۸، در نواحی روستایی استان اصفهان نمونه‌گیری شده است، ۲۳۵ خانوار و تعداد خانوار نمونه شهری، ۲۹۵ می‌باشد. ۵۳۰ خانوار حجم کل نمونه آمارگیری شده در این سال در استان اصفهان را تشکیل می‌دهد. در سال ۷۲، ۵۳۰ خانوار

روستایی و ۵۹۸ خانوار شهری، جمعاً ۱۱۲۸ خانوار آمارگیری شده جامعه آمای تحقیق را تشکیل می‌دهد.

نظر به اینکه اطلاعات مورد نظر را مرکز آمار ایران به صورت خام در اختیار قرار می‌دهد، لذا استخراج اطلاعات همگن و متجانس هماهنگ با نیازهای تحقیق به ویژه اقلام مربوط به ارزیابی وضعیت امنیت غذایی، اولین گام در فرایند تحلیل داده‌های تحقیق حاضر به شمار می‌رود. انجام اقدامات مقتضی، منجر به کسب اطلاعات همگن راجع به مواد غذایی اساسی دریافتی توسط خانوارهای نمونه‌گیری شده گردید.

به منظور بررسی شرایط تغذیه‌ای جامعه آمارگیری مورد نظر (استان اصفهان) و قشرهای مختلف به تفکیک شهر و روستا در سال ۶۸، ۶۲ قلم کالا که بیش از یک درصد هزینه‌های خوراکی افراد را به خود اختصاص می‌داد و برای سال ۷۲، ۴۷ قلم کالا که از این ویژگی برخوردار بود، در نظر گرفته شد به طوری که این مجموعه از اقلام کالا در سال ۶۸ و ۷۲ به ترتیب ۸۶٪ و ۸۴٪ مخارج خوراکی را در استان اصفهان به خود اختصاص داده است. به علاوه، اقلام به ترتیبی انتخاب شدند که حتی المقدور نزدیک به تمامی ارزشهای غذایی دریافت شده توسط فرد متوسط شهری و روستایی باشد و سپس با استفاده از دستاوردهای علم تغذیه راجع به میزان انرژی، پروتئین و مواد معدنی موجود در اقلام فوق با استفاده از جدول ترکیبات مواد غذایی در ایران میزان انرژی، پروتئین، کلسیم، آهن و فسفر، دریافتی در دهک‌های جمعیتی، خانوار^۸ و فرد نوعی هر یک از دهک‌های جمعیتی محاسبه شد.

۸. نتایج استخراج شده در ارتباط با دهک‌های جمعیتی و خانوار نوعی دهک‌های جمعیتی، در صورت درخواست، قابل دسترس برای علاقمندان می‌باشد.

۳. تحلیل وضعیت امنیت غذایی در استان اصفهان

در این بخش، اطلاعات مربوط به مصرف سرانه اقلام عمده غذایی دهکهای مختلف هزینه‌ای و اطلاعات حاصل از الگوی مصرفی مواد اساسی غذایی فرد نوعی دهک‌های جمعیتی، ارایه می‌گردد. برای این منظور، اولاً برای انجام مقایسه‌ای بین وضعیت تغذیه‌ای شهروندان استان اصفهان، به تفکیک مناطق روستایی و شهری، با وضعیت آن در سطح کشور، با استفاده از اطلاعات منتشر شده گزارش تحقیق «سیاست‌های حمایتی قشرهای آسیب‌پذیر»^۹، نسبت مصرف اقلام مختلف غذایی فرد نوعی در دهکهای مختلف جمعیتی در سال ۶۸ مورد محاسبه قرار گرفته است. دوم، به منظور ارزیابی تغییرات روند الگوی مصرف مواد اساسی غذایی طی دوره مورد بررسی پس از استخراج اطلاعات مربوط به فرد نوعی دهکهای مختلف جمعیتی، به تفکیک شهر و روستا در استان اصفهان در سال ۷۲، نسبت مصرف ماده غذایی مربوطه در دهکهای مختلف به سال ۶۸ به عنوان سال پایه محاسبه شده است.

۳-۱. وضعیت تغذیه‌ای شهرنشینان و روستانشینان استان اصفهان

بنابر توصیه مراجع علمی، هر مرد و زن، به ترتیب، روزانه به ۳۲۰۰ و ۲۳۰۰ کالری نیاز دارد. با توجه به این که ارقام حاصله بر حسب رفتار مصرفی فرد شاخص نوعی بوده، به طوری بدیهی، مقایسه فوق، نتیجه دقیقی راجع به کفایت مواد غذایی دریافتی برای هر یک از اعضای خانوارهای نوعی حاصل نخواهد کرد. در گزارش طرح تحقیقی سیاستهای حمایتی از قشرهای آسیب‌پذیر آمده است:

«در صورتی که حد استاندارد به طور متوسط بر حسب هرم سنی کشور استخراج شود، آنگاه ارقام قابل مقایسه خواهند بود. بر این اساس، برای تعدیل میزان استاندارد مورد نیاز، از هر یک از اقلام مصرفی و مواد غذایی، ابتدا بعد خانوار در ایران معادل ۵ نفر در نظر گرفته

شد و سپس با فرض این که ترکیب سنی و جنسی افراد خانوار مشابه هرم سنی کشور باشد، مقدار استاندارد هر یک از اقلام مصرفی مواد غذایی براساس میانگین وزنی مقادیر توصیه شده برای گروه‌های جنسی و سنی محاسبه می‌گردد^{۱۰}. جدول (۱) حاصل چنین محاسبه‌ای می‌باشد.

با تبعیت از الگوی فوق^{۱۱} و مراجعه به جدول (۲) ملاحظه می‌گردد که هر یک از اعضای خانوار ۵ نفره روستایی، در سال ۶۸، به طور متوسط روزانه ۲۳۳۰ کالری دریافت داشته که از متوسط سرانه روزانه مناطق روستایی کشور، کمتر (۲۷۹۱) و از میزان استاندارد کشوری (۲۱۶۸) بیشتر است. البته رقم فوق مربوط به فرد متوسط روستانشین در استان اصفهان در این سال می‌باشد.

جدول ۱ - استانداردهای مواد اساسی غذایی

نیاز روزانه	انرژی (کالری)	پروتئین (گرم)	آهن (میلی‌گرم)	کلسیم (میلی‌گرم)	فسفر (میلی‌گرم)
	۲۱۶۸	۵۶/۸	۱۱/۳	۵۵۰	۹۶۰

مأخذ، سیاست‌های حمایتی از قشرهای آسیب‌پذیر - صفحه ۲۰۸

چه بسا مزاد انرژی که گروه‌های با درآمد بالاتر نسبت به حد استاندارد دریافت کرده‌اند، کمبود انرژی دریافتی گروه‌های کم درآمد و قشرهای فقیر را جبران کرده باشد.

۱۰. همان مرجع

۱۱. به رغم تلاشی که به عمل آمد تا با توجه به اطلاعات جانبی حاصل از آمارگیری هزینه - درآمد خانوارهای نمونه در استان‌های مختلف کشور، بعد خانوار در استان اصفهان اعم از روستایی و شهری در تحلیل‌ها مورد توجه قرارگیرد اما به دلیل عدم انتشار اطلاعات مربوطه برای استان اصفهان در این دو دوره، به ناچار از متوسط بعد خانوار کشوری به عنوان یک شاخص استفاده شد. براساس اطلاعات کسب شده، بعد خانوار کشور در سطح روستا ۵/۷، و شهر ۴/۹ در سال ۶۸، و در سال ۷۲، به ترتیب برابر با ۵/۵ و ۴/۹ بوده است که میانگین ۵ نفر برای هر خانوار، یک شاخص قابل قبول می‌باشد.

با مراجعه به جدول پیش گفته، ملاحظه می‌گردد که بیش از ۳۰٪ جمعیت روستایی استان اصفهای در سال ۶۸، کمتر از حد استاندارد انرژی دریافت داشته‌اند و میانگین انرژی دریافتی یک فرد شاخص شهری، روزانه ۷۶۳۶ کالری می‌باشد که به مراتب، از مقدار استاندارد و میانگین کشوری یعنی رقم ۲۸۱۷/۶۲ بیشتر است، در رابطه با این ماده غذایی در مناطق شهری استان اصفهان هیچ یک از گروه‌های هزینه‌ای با کمبود مواد کالری‌زا در سال ۶۸ مواجه نبوده‌اند، شاید یکی از علل آن، گسترش وسیعتر نظام سهمیه‌بندی و پرداخت یارانه در مناطق شهری از جمله استان اصفهان نسبت به مناطق روستایی این سال باشد.

با بررسی اقلام مصرفی توسط شهرنشینان، ملاحظه می‌شود که ارزش‌های غذایی دریافت شده در مقایسه با روستاییان، از ثبات کمتری برخوردار است. به شکلی که متوسط انرژی دریافتی در مناطق شهری توسط فرد شاخص شهری در سال ۷۲ به ۱۷۹۱ کالری تقلیل پیدا کرده است که احتمالاً، به این علت است که در سال ۷۲ هم نظام سهمیه‌بندی محدودتر شده و هم سهم یارانه بسیاری از کالاهای اساسی کاهش یافته است.^{۱۲} به این صورت که: یارانه پرداختی به گندم طی سالهای اخیر به طور شدید افزایش یافته است. این یارانه طی سالهای ۶۸ تا ۱۳۷۵ به طور متوسط، رشدی معادل ۸۸٪ داشته است. افزایش مطلق یارانه گندم، با توجه به محدود بودن منابع مالی دولت به منظور پرداخت یارانه، سبب افزایش سهم گندم از کل یارانه نیز شده است، به طوری که سهم یارانه گندم نسبت به یارانه را از ۲۷/۸٪ در سال ۶۸، به ۶۵/۵٪ در سال ۷۵ افزایش داده است. به بیان دیگر، افزایش یارانه گندم باعث یارانه دولت بر دیگر کالاهای اساسی شده است.^{۱۳}

۱۲. به جدول (۴) مراجعه شود.

۱۳. وفادار مقدم، حمیدرضا (۱۳۷۵).

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

جدول ۲ - مقادیر مصرفی و نسبت‌های مواد غذایی مختلف فرد نوعی هریک از دهکهای جمعیتی مناطق شهری استان اصفهان (۱۳۸۸)

مواد غذایی	انرژی		کالری		پروتئین		کلسیم		میل گرم		آهن		میل گرم	
	استان (۱)	کشور (۲)	استان (۱) درصد (۲)	کشور (۲) درصد (۳)	استان (۱)	کشور (۲)	استان (۱) درصد (۲)	کشور (۲) درصد (۳)	استان (۱) درصد (۲)	کشور (۲) درصد (۳)	استان (۱)	کشور (۲)	استان (۱) درصد (۲)	کشور (۲) درصد (۳)
دهک دهم	۷۸۳۷۱	۱۶۰۰۲۱	۲۵۱	۲۵۱	۳۵۸	۲۲۶۱۱	۵۱۱	۸۶۰	۱۱/۶۵۳۱	۱۳۱	۶۲۱	۸۱/۷۱	۲۸/۲۱	۳۶
دهک نهم	۱۶۴۵۱	۴۲۰۰۳۷	۷۸۱	۳۸۱	۲۵۱	۶۳/۳۱	۱۶۱	۱۶۱	۳۳/۵۱۱	۵/۳۱۱	۱۶	۸۷/۵۷	۸۰۱	
دهک هشتم	۷۵۷	۳۱۱۱/۵۰	۱۶۱	۱۶۱	۵۱۱	۲۲/۲۱	۳۸۱	۶۲۸	۳۰/۶۳۷	۶۷	۳۰	۳۵/۸۶	۵/۶۵	
دهک هفتم	۹۳۲۱	۸۷۰/۶۷	۵۶۱	۵۶۱	۳۷۱	۶۷/۵۱۱	۶۵۱	۶۲۶	۸۷/۱۵۶	۱/۶۶	۷۳	۶۶/۵۳۱	۷۲	
دهک ششم	۶۶۶	۳۳/۳۵۱	۶۵۱	۶۵۱	۳۳۱	۱۶/۳۶	۱۳۱	۵۱۶	۱۸/۶۲۸	۷۶	۸۸	۶۷/۵۳	۶۵	
دهک پنجم	۷۶۶	۵۸۳/۳۱	۳۷۸	۳۷۸	۷۱۱	۸۶/۱۷	۳۳۱	۵۳۵	۳۳/۳۸۵	۵۶	۱۸	۸۱/۱۳	۵۵	
دهک چهارم	۸۳۶۲	۷۸۵/۲۱	۱۶۱	۱۶۱	۱۷	۵۳/۸۸	۶۰۱	۵۳۳	۷۸/۸۶۵	۵۶	۵۱	۶۰/۵۱	۳۳	
دهک سوم	۵۶۱۵	۸۳/۴۰۲	۱۵۱	۱۵۱	۵۰	۶۲/۵۸	۶۶	۶۸۱	۱۰/۱/۵۳	۸۶	۴۱	۳۸/۱۳	۱/۰۳	
دهک دوم	۷۲۳۴	۷۸/۳۵۸۱	۱۳۱	۱۳۱	۴۳	۶۷/۰۵	۱۷	۶۸۱	۶۷/۶۵۳	۸۷	۱۱	۱۸/۳۱	۵/۳۳	
دهک اول	۶۳۹۹	۷۳۶/۸۱	۳۶۱	۳۶۱	۱۰	۳۲/۳۱	۱/۶۲	۸۵	۵۰/۰/۳۱	۱۳	۳	۳۸/۶۱	۵/۵۱	
میانگین	۶۳۶	۲۸۱/۷۱	۶۸۱	۶۸۱	۸۸۱	۱۰۶/۶۱	۲۱	۸۶	۵/۷۱۸	۸/۶۷	۵۲	۶۸/۱۶	۶۵	

منبع: محاسبات گروه تحقیق

مواد غذایی	انرژی		کالری		پروتئین		کلسیم		میل گرم		آهن		
	استان	کشور	استان (۱) کشور (۲)	درصد	استان	کشور	استان (۱) کشور (۲)	درصد	استان (۱) کشور (۲)	درصد	استان	کشور	استان (۱) کشور (۲)
دهک اول	۲۳۳۰	۱۰۷/۱۶۸۱	۳۷	۸۷	۸۷	۱۱۲/۲۷	۵۶	۸۳۳	۰/۳/۱۱۶	۵/۱/۸	۶۱	۱۶/۵/۳	۱۳
دهک دوم	۳۵۸	۵۶/۷۸۷۱	۰۳	۷۲	۷۲	۶۳/۵۵	۱۵	۵۱۱	۳۰/۶/۰۳	۳/۷/۲	۶	۶/۸/۶۱	۰۲
دهک سوم	۳۶۱۱	۶۳/۸۷۱۱	۵۵	۶۳	۶۳	۶۶/۲۶	۳۸	۶۳۱	۳۷/۳/۰۵	۳/۸/۳	۰۱	۱۶/۳/۳	۶۲
دهک چهارم	۷۸۰۱	۶۵/۸۶۳۱	۳۷	۳۷	۳۷	۳۳/۳۸	۶۶	۱۷۳	۶۶/۰/۶۵	۷/۶	۶۱	۳۷/۷/۳	۱۳
دهک پنجم	۸۸۶۱	۳۶/۳۶۸۱	۶۶	۰۰۱	۰۰۱	۱۶/۱۷	۳۱۱	۷۲۵	۳۳/۰/۲۶	۸۷	۲۱	۰/۸/۵/۳	۷۳
دهک ششم	۶۳۰۲	۷۲/۷۳۶۱	۱۱۱	۱۱۱	۱۱۱	۶۱/۸۸	۳۳۱	۱۸۵	۵۳/۲/۶۵	۵/۶/۶	۵۲	۸۳/۳/۳	۷۵
دهک هفتم	۶۱۰۲	۱۷/۸۸۸۱	۷۰۱	۶۰۱	۶۰۱	۶۱/۱۷	۳۲۱	۳۷۳	۳۵/۸/۲۶	۸۸	۲۱	۱۳/۵/۳	۶۳
دهک هشتم	۶۶۳۱	۶۸/۷۱۶۱	۶۱۱	۳۱۱	۳۱۱	۰/۲/۷	۳۳۱	۳۳۶	۳۱/۵/۲۶	۱۰۱	۸۱	۱۸/۷/۳	۵۵
دهک نهم	۵۶۵۲	۶۰/۱۱۳۱	۷۰۱	۰۳۱	۰۳۱	۰/۳/۶	۳۳۱	۳۵۸	۳۶/۱۱/۸	۳۰۱	۷۸	۳۵/۸/۵	۶۳
دهک دهم	۱۸۶۱	۶۱/۵۳۵۱	۳۰۱	۳۳۱	۳۳۱	۵/۸/۱۱	۳۳۱	۷۳۸	۸۳/۵/۸	۳۶	۳۰	۰۶/۷/۳	۱۶

جدول ۳ - مقادیر و نسبت‌های مصرفی مواد غذایی مختلف فردنوعی هریک از دهک‌های جمعیتی مناطق روستایی استان اصفهان (۱۳۶۸)

مأخذ: سازمان حمایت از مصرف کنندگان و بانک مرکزی ج.ا.ا.

جدول ۴ - یارانه پرداختی بابت اقلام غذایی و سهم یارانه پرداختی به گندم

(میلیارد ریال)

سال	یارانه پرداخت بابت مواد غذایی	یارانه پرداختی بر گندم	سهم یارانه گندم (درصد)	جمع کل یارانه پرداختی	درصد یارانه گندم به کل یارانه پرداختی
۸۸۱۱	۱/۱۱۱۱۵	۱۳۶۳	۳۶	۰۰۷۵	۱۵/۵۱
۱۳۸۱	۱/۱۱۱۳۳	۱۵۶۸	۷۷	۷۸۷۳	۰۳/۸۵
۵۸۸۱	۱/۷۶۶۳	۱۷۱۸	۳۱	۷۷۳	۸۷/۶۵
۳۸۸۱	۳/۳۱۱۳	۳۵۵	۰.۱	۱۷۱۳	۷۸/۳۵
۴۸۸۱	۱/۷۷۱۳	۵۸۰.۱	۱.۱	۱۱۱۱	۷۸/۳۵
۱۸۸۱	۶/۵۱۱۱	۳/۳۵۱۱	۳۵	۱۳۰.۱	۶۱/۶۳
۱۸۸۱	۸/۳۰.۱	۵/۴۱۵	۶۳	۵۱۵	۳۵/۷۳
۷۸۸۱	۶/۳۱۵	۱/۰۵۱	۱/۷۳	۳۰.۳	۳۳/۱۳
۷۸۸۱	۶/۳۰.۳	۱۸۱	۱.۳	۱۱.۱	۷۸/۸۸
۷۸۸۱	۵/۱۱.۱	۱/۵۳	۷.۸	۱۱.۱	۱۳/۷۸
۸۸۸۱	۳/۱۶	۵/۷.۱	۱.۳	۱.۶	۱۳/۷۸
۱۱۸۱	۳/۳۰.۱	۰.۳	۷.۸	۳۰.۱	۳۵/۳۵
۵۸۸۱	۱.۱۷	۳/۷.۱	۶.۸	۸۸.۱	۳۵/۳۵
۳۸۸۱	۳/۶.۸	۱.۵	۳.۱	۱۱.۱	۸۶/۳۳
۴۸۸۱	۱/۳.۸	۸.۱	۸.۱	۰.۹۱	۰.۵/۸۱
۱۶۸۱	۱/۳۵	۳/۳۱	۵.۳	۶.۰۱	۳/۸۱
۱۶۸۱	۶/۰.۱	۸.۱	۱.۱	۰.۱۱	۳/۸۱
۱۶۸۱	۶/۰.۱	۳.۱	۷.۸	۱.۷	۸۱/۶۱

شاید علت دیگر، شرایط تورمی باشد که در این سال، به دنبال سیاست‌های کلان اقتصادی در ایران حاکم شده‌است. بر اساس محاسبات انجام شده، در این سال، مردم بیش از ۳۰٪ مخارج خود را به هزینه‌های بادوام در مناطق شهری استان اصفهان اختصاص داده‌اند و سهم هزینه‌های خوراکی از ۴۷٪ در مناطق شهری استان اصفهان در سال ۶۸، به ۳۵٪ کل هزینه‌ها در سال ۷۲ تقلیل یافته است. اگرچه به نظر می‌رسد که این نتیجه با مبانی نظری مطروحه در این زمینه در تعارض باشد. به این مفهوم که بر اساس نظریه‌های موجود، با افزایش سطح درآمد و قدرت خرید، سهم هزینه‌های خوراکی کاهش، و سهم هزینه‌های غیرخوراکی، افزایش می‌یابد. ولی احتمالاً دلیل این رفتار مصرفی ناشی از شرایط ویژه تورمی حاکم بر جامع بوده که مصرف کنندگان به منظور حفظ قدرت خرید و ایجاد کمربند ایمنی در مقابل شرایط غیرقابل پیش بینی، بخشی از درآمدی را که علی‌الاصول صرف هزینه‌های خوراکی می‌نمایند، به خرید کالاهای بادوام اختصاص دهند:

" اعمال سیاست‌های ارزی و تجاری به طور نامطلوبی بر قیمت‌ها تأثیر گذاشته است و نرخ تورم (شاخص بهای خرده فروشی) از ۲۲/۹٪ به ۳۵/۲٪ در سال ۱۳۷۲ و سپس به ۳۹/۴ درصد در سال ۱۳۷۴ بالغ گردیده است"^{۱۴} به عبارت دیگر، اعمال سیاست‌های تعدیل ساختاری به شکل کاهش ارزش پول ملی، کاهش مخارج دولت و حذف یارانه‌ها و خصوصی‌سازی، مقدماً شرایط بی‌ثبات اقتصادی را تشدید نمود که عمدتاً خود را به صورت تورم لجام‌گسیخته بروز داد به شکلی که در بعضی از مقاطع، نرخ تورم حتی به ۵۰٪ هم رسید.

طی مدت مورد بررسی، میزان پروتئین موجود در رژیم غذایی فرد شاخص شهری در استان اصفهان، از ۱۲۷ گرم در سال ۶۸ به ۵۲ گرم در سال ۷۲ تقلیل یافت. رقم متوسط مصرف پروتئین در مناطق شهری، در سطح کشور، ۹۶/۲۶ در سال ۶۸ می‌باشد که

منعکس‌کننده این نکته است که فرد شاخص شهری در استان اصفهان، در سال ۶۸، هم از متوسط کشوری و هم از میزان استاندارد، بیشتر مواد پروتئینی دریافت نموده است. ملاحظه می‌گردد که با حذف یارانه‌های مواد پروتئینی و سهمیه‌بندی‌های مربوطه، سطح پروتئین مصرفی در استان اصفهان تا حدود ۷۰٪ نسبت به سال ۶۸ در مناطق شهری استان اصفهان کاهش پیدا می‌کند. البته، در مقایسه با وضعیت کشور، این رقم به ۵۰٪ می‌رسد. ارزش‌های غذایی دیگر نیز از روند مشابهی برخوردار هستند.

در این رابطه، متوسط کلسیم مصرفی در مناطق شهری استان اصفهان در سال ۶۸، روزانه ۶۲۰ میلی‌گرم بوده که در سال ۷۲ به ۴۳۸ میلی‌گرم تقلیل پیدا کرده است. یعنی به طور متوسط، در مقایسه با میانگین کشوری که در سال ۶۸ بر اساس محاسبات طرح تحقیقی "سیاست‌های حمایتی و قشرهای آسیب‌پذیر" معادل ۶۲۶/۴ بوده، کاهشی حدود ۳۰٪ داشته است. مصرف کلسیم در سطح استان اصفهان، در مناطق شهری، حدوداً ۵٪ کمتر از سطح کشور بوده است. این مسأله می‌تواند با ویژگی‌های جغرافیایی این استان هم‌سنخیت داشته باشد. به عبارت دیگر، می‌توان استدلال کرد که در اغلب استان‌های کشور، وجود منابع طبیعی به صورت مراتع موجب می‌گردد که محصولات کلسیم‌دار با قیمت ارزان‌تری در اختیار مصرف‌کنندگان قرارگیرد. درحالی که در استان اصفهان، به دلیل محدودیت منابع اولیه در این زمینه سهم دریافتی این نوع مواد غذایی نسبت به میانگین کشوری کمتر است. البته، میزان استاندارد دریافتی کلسیم، ۵۵۰ می‌باشد که محاسبات انجام شده گویای این امر است که کلسیم دریافتی در سال ۷۲، از حد استاندارد هم پایین‌تر شده است به نحوی که در سال ۷۲، بیش از ۸۰٪ جمعیت شهرنشین استان اصفهان از کمبود مواد کلسیم‌دار رنج می‌برده‌اند. درمورد آهن و فسفر دریافتی نیز میانگین آهن دریافتی از ۳۵ میلی‌گرم در سال ۶۸ توسط فرد شاخص شهری استان اصفهان به ۱۹/۹ میلی‌گرم در سال ۷۲ تقلیل می‌یابد یعنی تقریباً ۵۰٪ کاهش نسبت به سال ۶۸ که میانگین آن در مناطق شهری عبارت از ۶۲/۷۹

بوده است. در مقایسه، مشخص می‌شود که کلیسیم و آهن دریافتی در مناطق شهری استان اصفهان، حدود ۴۰ درصد کمتر از سطح کشوری در این سال بوده است.

فسفر دریافتی توسط فرد شاخص شهری در سال ۶۸، عبارت از $۲۴۱/۲$ بوده که در سال ۷۲ به $۴۲۶/۴$ افزایش می‌یابد یعنی حدود دو برابر. ظاهر امر گویای این واقعیت است که با افزایش قیمت مواد پروتئین دار گوشتی، شهروندان استان اصفهان آن را با پروتئین گیاهی که در این نوع محصولات موجودی فسفر هم زیاد است، جایگزین نموده باشند و ملاحظه می‌گردد که متوسط مصرف فسفر به دو برابر مقدار قبل خود در سال ۶۸ افزایش یافته است. در سطح کشوری، در مورد این ماده غذایی برای سال ۶۸، ارقام قابل اعتمادی در دسترس نیست لذا انجام مقایسه و تحلیل در این ارتباط، مقدور نگردید (جدول ۲).

پروتئین دریافتی فرد شاخص روستایی، از ۸۷ گرم در سال ۶۸ به $۶۵/۳۲۰$ گرم یعنی حدود ۱۵٪ در سال ۷۲، کاهش یافته است اگرچه به طور متوسط، $۶۵/۳$ از مقدار استاندارد آن ($۵۵/۸$)، بیشتر است. میزان پروتئین دریافتی فرد شاخص روستایی در سطح کشور در سال ۶۸ به طور متوسط $۸۲/۳۲$ میلی‌گرم بوده که نشان می‌دهد شاخص روستایی در سطح کشور، پروتئین بیشتری دریافت می‌داشته است.

پس از بررسی وضعیت تغذیه‌ای فرد شاخص شهری و روستایی، به قشرهای کم درآمد پرداخته می‌شود. منظور از قشرهای کم درآمد، قشرهایی است که مجموع مخارج آنان در دهک اول و دوم واقع شده است. با مراجعه به جداول (۲) الی (۵) آشکار می‌شود که میزان انرژی دریافتی قشرهای کم درآمد شهری (روستایی) از ۳۳۱۷ (۹۷۴) در سال ۶۸ به ۹۳۹ (۶۶۵) در سال ۷۲ کاهش یافته یعنی در مناطق شهری، ۷۲٪ و در مناطق روستایی ۳۲٪ تقلیل داشته است.

تغییر انرژی دریافت شده توسط قشرهای کم درآمد شهری در استان اصفهان کاملاً محسوس است. در حالی که در مورد فرم شاخص کم‌درآمد روستایی، میزان انرژی دریافت

شده در فاصله سال‌های ۶۸ تا ۷۲ از ثبات نسبی برخوردار بوده است. انرژی دریافتی قشرهای کم درآمد شهری استان اصفهان، طی دوره موردنظر، نوسان بیشتری داشته است.

۳-۲. توزیع بین جمعیتی مواد اساسی غذایی

استانداردهای غذایی در سال ۱۳۶۸ در مناطق روستایی استان اصفهان نشان می‌دهد که، وضعیت توزیع بین جمعیتی به این نحوه بوده است که تا دهک چهارم هزینه‌ای، مقدار دریافتی روزانه سرانه مواد کالری‌زا، کمتر از ۲۱۶۸ می‌باشد. به عبارت دیگر، تا دهک چهارم از وضعیت سوء تغذیه در این ارتباط برخوردار بوده‌اند، افسردگی، بی‌حالی و کم‌نشاطی از نشانه‌های کمبود دریافت این ماده غذایی می‌باشد. در زمینه پروتئین، اگر مقدار استاندارد ۵۶/۸ گرم در نظر گرفته شود. تا دهک دوم که روزانه مقدار ۴۶ گرم به طور سرانه دریافت می‌شده است، در شرایط سوء تغذیه قرار دارند. به همین ترتیب، در مورد آهن دریافتی فرد شاخص دهک دوم مناطق روستایی، میزان دریافتی او ۱۰ میلی‌گرم در روز است.

نارسایی دریافت مواد کلسیمی به دهک ششم هم گسترش پیدا می‌کند. به ترتیبی که در مناطق روستایی استان اصفهان، در سال ۶۸ تا دهک ششم که فرد شاخص، مقدار ۵۷۲ میلی‌گرم کلسیم روزانه دریافت می‌کند، رقم دریافتی کمتر از ۵۵۰ استاندارد می‌باشد. متوسط فسفر دریافتی که در سال ۶۸ در مناطق روستایی اصفهان به طور متوسط ۲۹۱ میلی‌گرم بوده است، این رقم معادل یک پنجم مقدار استاندارد سرانه روزانه (۹۶۰) می‌باشد. به عبارت دیگر، مناطق روستایی استان اصفهان با کمبود حاد فسفر دریافتی مواجه هستند به طوری که حتی گروه‌های با درآمد بالا هم زیر حد استاندارد، فسفر دریافت می‌نموده‌اند یا شاید در این گونه مناطق این نوع محصولات به صورت خودکفا و بدون این که انعکاسی در بازار داشته باشد، قابل دسترس می‌باشد. شدت کمبود دریافت در سه دهک اولی بیشتر است. در مورد مناطق شهری نیز وضعیت به این ترتیب است که در سال ۶۸، به لحاظ مواد

کالری‌زا، مناطق شهری با هیچ‌گونه مسأله‌ای در این سال مواجه نیستند. شاید دلیل امر ناشی از یارانه‌ای است که دولت به این‌گونه موارد پرداخت می‌کند و سهم یارانه دریافتی براساس بررسی‌های آماری انجام شده در مناطق شهری، به مراتب بیش از مناطق روستایی است که خود می‌تواند عاملی احتمالی بر استغنائی مردم شهرنشین از این ماده غذایی باشد. در حالی که در ارتباط با پروتئین، فرد شاخص شهری تا دهک سوم، در سال ۶۸، زیر حد استاندارد مواد پروتئینی دریافت می‌کند. این مسأله در مورد مواد کلسیم‌دار به دهک پنجم، و در مورد آهن دریافتی، به دهک دوم تعمیم پیدا می‌کند.

در ارتباط با فسفر دریافتی در مناطق شهری استان اصفهان در سال ۶۸، به طور متوسط بیش از مقدار استاندارد دریافت می‌گردد. مصرف کمتر از حد استاندارد به ۴۰٪ جمعیت کم درآمد تعمیم دارد، البته حاد بودن وضعیت فسفر دریافتی در مناطق روستایی بیشتر است زیرا حتی دهک دوم جمعیتی در مناطق شهری استان اصفهان بیش از دهک دهم مناطق روستایی استان، فسفر دریافت می‌دارد.

حذف نظام سهمیه بندی تا سال ۷۲ و کاهش محدوده کالاهای تحت نظام پرداخت یارانه، موجب گردید که وضعیت توزیع بین جمعیتی مواد غذایی حتی مواد کالری‌زا در سال ۷۲ به مراتب بدتر از سال ۶۸ گردد و این مطلب در مناطق شهری بیشتر مشهود است. به این ترتیب که در مناطق روستایی، یک فرد شاخص تا دهک ششم، زیر حد استاندارد مواد کالری‌زا دریافت داشته است. به نحوی که فرد شاخص دهک ششم، روزانه ۱۸۸۹/۴۴۱ کالری در سال ۷۲ دریافت می‌نموده است. شکاف تغذیه در سال ۷۲ نسبت به سال ۶۸ افزایش پیدا کرده است. این شکاف تغذیه در مناطق شهری برای مواد کالری‌زا تا دهک هشتم هم تعمیم یافته است. یک فرد شاخص دهک هشتم در مناطق شهری استان اصفهان، در سال ۷۲، روزانه ۱۹۶۱/۳۲۵ کالری دریافت می‌کرده است که کمتر از میزان استاندارد می‌باشد. در مورد پروتئین دریافتی در مناطق روستایی، فرد شاخص دهک پنجم، در سال ۷۲، به طور متوسط ۵۴/۶۰۴ گرم پروتئین دریافت می‌داشته است یابه عبارت دیگر،

به لحاظ مواد پروتئینی تا ۵۰٪ جمعیت روستانشین در این سال در شرایط سوءتغذیه قرار داشته‌اند. این شرایط برای مناطق شهری هم مصداق دارد. به طوری که فرد شاخص دهک پنجم در این مناطق، در سال ۷۲، به طور متوسط ۵۱/۵ گرم پروتئین دریافت می‌دارد. از لحاظ مواد کلسیم دار نیز بیش از ۵۰٪ جمعیت روستایی و ۸۰٪ جمعیت شهری در این سال در شرایط سوء تغذیه قرار گرفته‌اند. به طوری که یک فرد شاخص دهک پنجم در مناطق روستایی ۳۵۸/۲۵۸ میلی‌گرم کلسیم و در مناطق شهری، یک فرد شاخص دهک هشتم، ۵۲۲ میلی‌گرم کلسیم دریافت می‌داشته است. این مسأله به این دلیل قابل توجه است که در سال ۷۲ به تدریج مقدار قابل ملاحظه ای از یارانه شیر، علاوه بر سهمیه‌بندی پنیر، نیز حذف گردید. میزان دریافتی آهن در مناطق روستایی بسیار آزردهنده است. به تریبی که تا دهک پنجم، ۱۰/۳ میلی‌گرم آهن در روز دریافت می‌گردد. در حالی که در مناطق شهری این وضعیت به دهک اول که روزانه ۹/۰۹ میلی‌گرم آهن دریافت می‌کند، محدود می‌شود. وضعیت فسفر دریافتی در سال ۷۲ نسبت به سال ۶۸ بهبود یافت. اگرچه گروههایی که در مناطق روستایی زیرمیانگین قراردارند، تا دهک پنجم و در مناطق شهری تا دهک ششم تعمیم یافته است.

باتوجه به آمار و اطلاعاتی که از طرح "سیاست‌های حمایتی از قشرهای آسیب‌پذیر" در اختیار است، وضعیت استان اصفهان در سال ۶۸ نسبت به کل کشور چه در مناطق شهری و چه روستایی بهتر بوده است (جدول ۲).

۳-۳. تحلیل مقایسه‌ای الگوی مصرف در استان اصفهان نسبت به کل کشور

براساس نتایج استخراج شده، مصرف مواد انرژی‌زا در مناطق روستایی استان اصفهان، به طور متوسط کمتر از کل کشور است. یک روستانشین اصفهانی در سال ۶۸، به طور متوسط معادل ۸۳٪ یک روستایی ایرانی، مواد انرژی‌زا دریافت داشته است. همین امر برای سایر مواد غذایی به استثنای مواد پروتئینی نیز مصداق دارد به نحوی که یک روستایی در

استان اصفهان، در سال ۶۸، معادل ۷۱/۵٪ کلسیم دریافتی یک فرد نوعی روستایی ایرانی کلسیم دریافت می‌کند و ۴۱٪ مواد آهن‌دار، در حالیکه یک روستایی اصفهانی، معادل ۱۰۶٪ مواد پروتئینی، نسبت به یک فرد نوعی روستایی ایرانی، دریافت داشته است. شاید دلیل این امر، ناشی از مزیت نسبی منطقه در کشت حبوبات یا به عبارت دیگر، سهولت دستیابی به پروتئین گیاهی باشد. البته، وضعیت بین توزیعی در مناطق روستایی استان اصفهان نسبت به کل کشور، نامتوازتر است. اغلب تا میانه جمعیتی، دریافتی انواع مواد غذایی روستایان اصفهانی کمتر از میانه جمعیتی روستایی کشور و میانه بالایی جمعیت به نسبت بیشتری از کل کشور است.

به عبارت دیگر، معمولاً این نسبت تا دهک پنجم، از ۱۰۰ کمتر و از دهک پنجم به بالا، بیشتر از ۱۰۰ است که نشان‌دهنده نامتعادل‌تر بودن توزیع مواد اساسی غذایی در مناطق روستایی استان اصفهان است (جدول ۳).

وضعیت مناطق شهری استان اصفهان در ارتباط با دریافت مواد اساسی غذایی و وضعیت مناطق روستایی آن در مقایسه با کل کشور، کاملاً متفاوت است. به این ترتیب که در سال ۶۸، دریافتی مواد انرژی‌زا و پروتئینی شهرنشینان استان اصفهان نسبت به کل کشور در وضعیت بهتری قرار داشته‌اند. به نحوی که به طور متوسط، یک شهرنشین اصفهانی ۳۷۱٪ یک شهروند ایرانی مواد انرژی‌زا و ۱۱۹٪ مواد پروتئینی دریافت می‌کرده است. شاید به این علت که در سال ۶۸، هنوز نظام سهمیه‌بندی و یارانه‌ای که بیشتر شامل مواد کالریک و پروتئینی بوده، در توزیع مواد اساسی غذایی در استان اصفهان به لحاظ موقعیت مرکزی و سهولت دستیابی در مناطق شهری به طور مؤثرتر نقش داشته و موجب انعکاس این الگوی مصرف در مورد مواد انرژی‌زا و پروتئینی شده باشد. در حالی که یک شهروند اصفهانی، به طور متوسط کلسیم و آهن کمتری نسبت به یک شهروند ایرانی در سال ۶۸ دریافت نموده است. این ارقام به ترتیب برابر با ۸۶/۲٪ و ۵۶٪ برای مناطق شهری استان اصفهان نسبت به کل کشور می‌باشد.

جدول ۵ - مقادیر مصرفی و نسبت های مواد غذایی مختلف فرودرعی هر یک از دهک های جمعیتی مناطق شهری استان اصفهان (۱۳۷۲)

مواد غذایی دهک	انرژی		کالری		پروتئین		گرم		کلسیم		میل گرم		آهن		میل گرم		فسفر		میل گرم	
	مقدار	درصد	۷۲	۷۸	مقدار	درصد	۷۲	۷۸	مقدار	درصد	۷۲	۷۸	مقدار	درصد	۷۲	۷۸	مقدار	درصد	۷۲	۷۸
میانگین	۱۷۹۱/۰۶۰	۳۳/۴	۲۹۰/۰۵۲	۲/۴	۰/۳۳۷۳۴	۱۸	۸۳۱/۵۱	۰/۷۱	۷۷۷۷۸	۳/۸	۱۷۹۱/۰۶۰	۷۱	۸۵۷/۰۷۰	۱۸/۲	۷۲	۷۸	۷۷۷۷۸	۳/۸	۷۲	۷۸
دهک اول	۷۰۲/۱۱۸	۲۹/۲	۲۱۰/۰۲۷	۱۱۲	۷۸۳/۰۶۱	۲/۱۷۲	۹۰۹/۰/۶	۳۰۳/۰	۱۰۳/۳۹۱	۶۶	۷۰۲/۱۱۸	۷۱	۱۱۱/۷۸۸	۱۰	۷۲	۷۸	۱۰۳/۳۹۱	۶۶	۷۰۲/۱۱۸	۷۱
دهک دوم	۱۷۵/۲۱۵	۲۷	۳۵۹/۰/۲	۶۷	۱۱۱/۷۸۸	۳/۹۶	۶۵۷/۳۱۰	۳/۵۱۱	۳۰۳/۶۱۱	۸/۸	۱۷۵/۲۱۵	۷۱	۸۵۷/۰۷۰	۱۵	۷۲	۷۸	۳۰۳/۶۱۱	۸/۸	۱۷۵/۲۱۵	۷۱
دهک سوم	۱۶۵/۲۵۱	۳۲	۴۱۴/۳/۴	۶۵	۷۶۹/۵۶۳	۱/۱۱	۷۵۹/۶۱	۲/۳۵۱	۱۱۳/۸۰۳	۱۵	۱۶۵/۲۵۱	۷۱	۸۵۷/۰۷۰	۱۵	۷۲	۷۸	۱۱۳/۸۰۳	۱۵	۱۶۵/۲۵۱	۷۱
دهک چهارم	۱۷۲۱/۱۸۱	۵۲/۱	۴۶۳/۱/۵	۳۳	۳۵۸/۳۳۳	۵/۶۸	۱۵۳/۶۱	۲/۷	۶۳۳/۳۶۳	۲/۷	۱۷۲۱/۱۸۱	۷۱	۸۵۷/۰۷۰	۱۵	۷۲	۷۸	۶۳۳/۳۶۳	۲/۷	۱۷۲۱/۱۸۱	۷۱
دهک پنجم	۱۷۲۳/۲۴۳	۲۹	۱۶۰/۰/۵	۳/۸۳	۵۰۸/۸۷۳	۷/۸	۰۰۳/۲۱	۵/۱۲۷	۷۵۱/۶۳۳	۶۱	۱۷۲۳/۲۴۳	۷۱	۸۵۷/۰۷۰	۱۵	۷۲	۷۸	۷۵۱/۶۳۳	۶۱	۱۷۲۳/۲۴۳	۷۱
دهک ششم	۱۱۸۷/۰/۹۱	۳/۱۱	۳۷۳/۳/۸	۳/۸	۶۵۶/۶۱۵	۸/۸۷	۱۷۷/۳۱	۶/۱۳۸	۱۱۳/۶۱۵	۳/۸۱	۱۱۸۷/۰/۹۱	۷۱	۸۵۷/۰۷۰	۱۵	۷۲	۷۸	۱۱۳/۶۱۵	۳/۸۱	۱۱۸۷/۰/۹۱	۷۱
دهک هفتم	۵۰۳/۱۶۶۱	۳۱	۰/۱۱/۸/۵	۵/۸	۰/۷۷/۱/۳۵	۳/۸	۵۵۰/۱/۱	۰/۶	۶۱۷/۳۳۵	۵/۳۳	۵۰۳/۱۶۶۱	۷۱	۸۵۷/۰۷۰	۱۵	۷۲	۷۸	۶۱۷/۳۳۵	۵/۳۳	۵۰۳/۱۶۶۱	۷۱
دهک هشتم	۱۷۱۱/۱۶۱	۶۱	۱۵۰/۳/۸	۱/۰۳	۱۲۳/۳۸۶	۱۵	۱۱۶/۶۱	۷/۸	۱۰۳/۳۹۱	۵/۷	۱۷۱۱/۱۶۱	۷۱	۸۵۷/۰۷۰	۱۵	۷۲	۷۸	۱۰۳/۳۹۱	۵/۷	۱۷۱۱/۱۶۱	۷۱
دهک نهم	۲۴۳۰/۰/۱۰	۳۳	۱۰۱/۸/۵	۵/۸	۰/۷۷/۱/۳۵	۳/۸	۵۵۰/۱/۱	۰/۶	۶۱۷/۳۳۵	۵/۳۳	۲۴۳۰/۰/۱۰	۷۱	۸۵۷/۰۷۰	۱۵	۷۲	۷۸	۶۱۷/۳۳۵	۵/۳۳	۲۴۳۰/۰/۱۰	۷۱
دهک دهم	۲۷۳۳/۳/۸	۴۳/۱	۸۰/۲/۸	۷/۱	۸۵۷/۰/۷۰	۱۸/۲	۸۳۱/۵۱	۰/۷۱	۷۷۷۷۸	۳/۸	۲۷۳۳/۳/۸	۷۱	۸۵۷/۰۷۰	۱۵	۷۲	۷۸	۷۷۷۷۸	۳/۸	۲۷۳۳/۳/۸	۷۱

منابع: محاسبات گروه تحقیق

جدول ۶ - مقادیر مصرفی و نسبت‌های مواد غذایی مختلف فردنوعی مریک از دهک‌های جمعیتی مناطق روستایی استان اصفهان (۱۳۷۲)

مواد غذایی	انرژی		کالری		پروتئین		گرم		کلسیم		پلی‌گرم		آهن		پلی‌گرم		فسفر	پلی‌گرم
	مقدار	درصد	مقدار	درصد	مقدار	درصد	مقدار	درصد	مقدار	درصد	مقدار	درصد	مقدار	درصد	مقدار	درصد		
دهک نهم	۰۰۷/۶۰۳۰	۸۳۱	۳۵۸/۶۷۱	۸/۱۸۱	۵۷۸/۸۰۳۱	۱/۸۸۱	۵۳۷/۶۸	۶/۶۵۱	۸۱۶/۶۱۱	۷۰۲	۱۱۳/۶۳۱	۵/۶۱۱	۶۳۵/۳۵۶	۳۱۱	۸۱۱	۳/۵۸۱	۸۱۶/۶۱۱	۷۰۲
دهک هشتم	۱۱۳/۸۶۶۲	۸/۷۷	۷۸۳/۸۰۱	۸	۶۱۷/۵۱۵	۱۷	۵۱۰/۸۱	۵/۶۶	۳۱۶/۳۳۸	۳۱۱	۱۱۳/۶۳۱	۵/۶۱۱	۳۱۶/۳۳۸	۳۱۱	۸۱۱	۳/۵۸۱	۸۱۶/۶۱۱	۷۰۲
دهک هفتم	۱۳۳/۶۷۷۱	۱۶	۳۳۵/۰۰۱	۱/۸۶	۵۶۵/۵۸۶	۰۳۱	۱۶۶/۸۱	۱/۸۱	۶۶۷/۳۶	۳/۵۸۱	۱۱۳/۶۳۱	۵/۶۱۱	۳۱۶/۳۳۸	۳۱۱	۸۱۱	۳/۵۸۱	۸۱۶/۶۱۱	۷۰۲
دهک ششم	۱۱۵/۰۳۸۱	۵۶	۳۰۶/۳۵	۵۵	۳۷۳/۶۸۱	۰۸	۸۶۶/۵۱	۳/۸	۸۳۱/۶۳	۵/۶۱۱	۱۱۳/۶۳۱	۵/۶۱۱	۳۱۶/۳۳۸	۳۱۱	۸۱۱	۳/۵۸۱	۸۱۶/۶۱۱	۷۰۲
دهک پنجم	۷۵۰/۶۵۱۱	۶۵	۳۳۳/۲۳	۰۵	۸۵۰/۷۱۱	۵/۰۸	۱۱۶/۷	۳/۸۳	۷۱۸/۸۳۳	۷۶۱	۱۱۳/۶۳۱	۵/۶۱۱	۳۱۶/۳۳۸	۳۱۱	۸۱۱	۳/۵۸۱	۸۱۶/۶۱۱	۷۰۲
دهک سوم	۱۶۰/۸۶۷	۳۸	۱۶۶/۸۱	۱۶	۸۸۳/۰۰۲	۳۷	۱۱۶/۳	۶/۶۳	۳۱۸/۸۱۱	۳۵۱	۱۱۳/۶۳۱	۵/۶۱۱	۳۱۶/۳۳۸	۳۱۱	۸۱۱	۳/۵۸۱	۸۱۶/۶۱۱	۷۰۲
دهک اول	۱۶۳۹/۵۱	۷۵	۸۷/۸۱	۰۵	۳۳۳/۳۶	۱/۵۵	۳۳۷/۸	۵/۳	۶۶۳/۳۶	۳۸۱	۱۱۳/۶۳۱	۵/۶۱۱	۳۱۶/۳۳۸	۳۱۱	۸۱۱	۳/۵۸۱	۸۱۶/۶۱۱	۷۰۲
میانگین	۳۰۳/۰۰۰	۳۱	۳۳۰/۵۶	۵۸	۰۳۰/۱۸۳	۳۳/۶۶	۰۰۰/۸۶۱	۳۰۱	۰۵۰/۸۱۵	۰۷۱	۱۱۳/۶۳۱	۵/۶۱۱	۳۱۶/۳۳۸	۳۱۱	۸۱۱	۳/۵۸۱	۸۱۶/۶۱۱	۷۰۲

ماخذ: محاسبات گروه تحقیق

الگوی توزیع بین جمعیتی در مناطق شهری استان اصفهان نسبت به کل کشور مثل الگوی توزیع بین جمعیتی در مناطق روستایی استان اصفهان نسبت به کل کشور نیست و به نظر می‌رسد که توزیع بین جمعیتی در مناطق شهری استان اصفهان نسبت به کل کشور متعادل‌تر باشد.

۳-۴. تحلیل روند الگوی مصرف در استان اصفهان

با توجه به داده‌های مربوط به مصرف اقلام خوراکی در شهر و روستا، ملاحظه می‌شود که در سال ۷۲ نسبت به ۶۸، وضعیت تغذیه‌ای روستا نسبت به شهر از لحاظ مواد انرژی‌زا متفاوت است. میانگین انرژی سرانه در سال ۶۸ در مناطق روستایی از ۲۳۳۰ به ۳۰۳۱ در سال ۷۲ افزایش یافته است. با توجه به این که متوسط مصرف روزانه سرانه برای یک خانوار پنج نفره بر اساس استانداردهای موجود معادل ۲۳۵۰ تعیین شده است، نشان می‌دهد که در سال ۷۲، مصرف مواد انرژی‌زا در مناطق روستایی، بهبود یافته است. این رقم برای مناطق شهری استان اصفهان از ۲۳۹۹ به ۱۷۹۱ کاهش یافته است. به عبارت دیگر، مصرف مواد کالری‌زا در مناطق شهری استان اصفهان از سال ۶۸ تا سال ۷۲ کم شده و حتی به زیر مقادیر استاندارد رسیده است و از این جنبه وضعیت تغذیه، بدتر شده است. وضعیت مواد پروتئینی به این صورت است که در سال ۱۳۶۸، در مناطق شهری اصفهان، به طور متوسط روزانه ۱۲۷ گرم و در مناطق روستایی ۷۸ گرم پروتئین از طریق مصرف اقلام مختلف غذایی دریافت می‌شده است. با توجه به این که برای یک خانوار ۵ نفره، متوسط استاندارد مصرف روزانه سرانه ۵۵/۸ گرم می‌باشد. لذا در سال ۶۸، به طور متوسط هم خانوارهای شهری و هم روستایی بیشتر از حد استاندارد، مواد پروتئینی دریافت کرده‌اند. این ارقام برای سال ۱۳۷۲، به ترتیب برای مناطق شهری و روستایی برابر با ۵۲/۲۹ و ۶۵/۲۲ گرم می‌باشد که نشان می‌دهد به لحاظ مواد پروتئینی نیز وضعیت تغذیه‌ای در سال ۷۲ بدتر شده است که حاکی از کاهش شدید قدرت خرید مردم در این دوره یا به عبارت دیگر،

منعکس‌کننده وجود شرایط تورمی شدید در این مورد می‌باشد. ملاحظه می‌گردد که کاهش سطح مصرف مواد پروتئین‌دار موجب شده است که متوسط مصرف در مناطق شهری از میزان استاندارد که ۵۵/۸ گرم می‌باشد، کمتر شود یا به بیان دیگر، به طور متوسط نیز در سال ۱۳۷۲ مردم شهرنشین استان اصفهان به لحاظ مواد پروتئین‌دار در شرایط سوء تغذیه قرار گرفته‌اند. توزیع بین جمعیتی این مواد، از این جنبه نیز قابل ارزیابی و بررسی می‌باشد.

وضعیت میزان میلی‌گرم آهن دریافتی در سال ۱۳۶۸ و ۱۳۷۲ به ویژه در مناطق روستایی استان اصفهان، تغییر چندانی نکرده است و از حد استاندارد هم بالاتر است به این ترتیب که در سال ۱۳۶۸، میانگین آهن دریافتی در مناطق روستایی استان اصفهان ۱۹ و در سال ۱۳۷۲، ۱۹/۷ بوده است. در حالی که در مناطق شهری، متوسط آهن دریافتی در سال ۱۳۶۸، معادل ۳۵ میلی‌گرم و در سال ۱۳۷۲، ۱۹/۹ میلی‌گرم شده است که منعکس‌کننده افت شدید سطح تغذیه به طور متوسط در مناطق شهری استان اصفهان می‌باشد. اگرچه این میزان، در هر دو دوره، از میزان استاندارد ۱۱/۳ میلی‌گرم روزانه سرانه بالاتر است. این کاهش آهن دریافتی هماهنگ با کاهش پروتئین دریافتی است زیرا این مواد غذایی اغلب به طور همراه از اقلام مشابهی دریافت می‌گردند.

کلسیم دریافتی در مناطق روستایی استان اصفهان، از ۴۴۷ میلی‌گرم در سال ۱۳۶۸، به طور متوسط به ۴۲۱ میلی‌گرم در سال ۱۳۷۲، کاهش پیدا کرده است. مقدار استاندارد برای یک خانوار ۵ نفره، ۵۵ میلی‌گرم می‌باشد که منعکس‌کننده وجود سوءتغذیه نسبت به کلسیم دریافتی در مناطق روستایی استان اصفهان می‌باشد. البته این وضعیت در سال ۱۳۷۲ نه تنها بهبود نیافته بلکه تشدید هم گردیده است (جدول ۶). در سال ۱۳۶۸، این رقم برای مناطق شهری استان اصفهان به طور متوسط ۶۲۰ گرم مصرف سرانه روزانه کلسیم بوده است.

جدول ۷- شاخص ارزش‌های غذایی دریافتی فرد نمونه روستایی

(فردشاخص شهری=۱۰۰) درصد

مواد غذایی	سال		کشور	استان
	۷۲	۶۸		
انرژی	۷۲	۶۸	۹۹	۳۱
پروتئین	۷۲	۶۸	۸۵/۴	۶۸
آهن	۷۲	۶۸	۹۰	۵۴
کلسیم	۷۲	۶۸	۸۴	۷۷
فسفر	۷۲	۶۸	-	۱۲

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

جدول ۸- شاخص ارزش‌های غذایی دریافتی قشرهای کم‌درآمد روستایی

(فردشاخص شهری=۱۰۰) درصد

مواد غذایی	سال		کشور	استان
	۷۲	۶۸		
انرژی	۷۲	۶۸	۱۲۷/۵	۲۹
پروتئین	۷۲	۶۸	۱۳۳	۱۴۲
آهن	۷۲	۶۸	۱۳۰	۱۲۳
کلسیم	۷۲	۶۸	۱۳۷	۱۰۵
فسفر	۷۲	۶۸	-	۳۱

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

در سال ۷۲، این میزان معادل ۴۳۸/۳۴ بوده است که انعکاسی از بدتر شدن وضعیت تغذیه در استان اصفهان در سال ۷۲ می‌باشد. البته، وضعیت دریافت این ماده غذایی در استان اصفهان به گونه‌ای است که از حالت استغنا در سال ۱۳۶۸ به حالت سوء تغذیه در سال ۷۲ تبدیل شده است زیرا متوسط ۴۲۸/۲۴ در سال ۱۳۷۲، از میانگین استاندارد ۵۵۰ کمتر است (جدول ۵).

اگر برنامه غذایی شخص، متشکل از مواد غذایی یکنواخت بوده و به مقدار کافی مورد استفاده قرار نگیرد، بدون تردید از کمبود نوعی پروتئین، ویتامین یا مواد معدنی رنج برده و بر سلامت و کارایی اقتصادی او اثر منفی خواهد گذاشت.

۳-۵ شکاف تغذیه و انرژی در جوامع شهری و روستایی

درک عمیق‌تر سوء تغذیه در جوامع شهری و روستایی استان اصفهان، ایجاب می‌کند که ارزش‌های غذایی دریافتی تمامی دهکهای درآمدی، مورد بررسی قرار گیرد تا بدین وسیله مشخص شود که مشکل سوء تغذیه در ارتباط با کدام یک از مواد اساسی غذایی حادث‌تر است و اساساً چند درصد از شهرنشینان و روستاییان، کمتر از حد نیاز انرژی، فسفر و ... دریافت کرده‌اند. روش فوق، این امکان را فراهم می‌آورد تا سیاست‌های مطروحه و مورد اجرای برنامه اول عمرانی جمهوری اسلامی، مورد ارزیابی قرار گیرد.

مقایسه ارقام جداول با حد استاندارد انرژی (۲۱۶۸)، مشخص می‌کند که در سال ۶۸، ۳۰٪ از روستائیان استان اصفهان با کمبود مواد انرژی‌زا مواجه بوده‌اند، در حالیکه این کمبود در مناطق شهری وجود نداشته است. به عبارت دیگر، ۷۰٪ روستائیان و ۱۰۰٪ شهرنشینان از مازاد انرژی نسبت به حد استاندارد برخوردار بوده‌اند. این مقدار برای سال ۷۲ به گونه‌ای است که ۵۰٪ روستائیان و ۸۰٪ شهرنشینان استان اصفهان با کمبود انرژی مواجه می‌شوند. اگر وضعیت سال ۶۸ در استان اصفهان با وضعیت کشور در همین سال مقایسه گردد، ملاحظه می‌شود که در این سال، ۳۰٪ شهرنشینان و ۶۰٪ روستائیان کشور با کمبود انرژی روبرو بوده‌اند و به این ترتیب، مشخص می‌گردد که وضعیت ساکنین استان اصفهان در سال ۶۸ بهتر از وضعیت کلی کشور بوده است و مقایسه وضعیت غذای دریافتی در سال ۶۸ و ۷۲ مشخص می‌کند که در سال ۷۲، وضعیت تغذیه‌ای ساکنین استان اصفهان به لحاظ دریافت مواد انرژی‌زا رو به اضمحلال رفته و یا به عبارت دیگر، تعداد جمعیت در معرض خطر سوء تغذیه، افزایش یافته است (جدول ۹).

جدول ۹ - شکاف تغذیه در جوامع شهری و روستایی سال‌های ۷۲-۶۸

روستا/شهر (درصد)

مواد غذایی	سال	
	استان	کشور
شکاف انرژی	۱	۲۰
شکاف پروتئین	۳۰	۳۰
شکاف آهن	۲۰	۱۰
شکاف کلسیم	۳۰	۲۰
شکاف فسفر	۲۰	-
	۱۰	۲۰
	۵۰	۳۰
	۵۰	۹۰
	۴۰	۵۰

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

حال اگر توصیه کارشناسان IMF مبنی بر این که هر فرد شاخص شهری به ۲۵۰۰ کالری و هر فرد روستایی به ۲۴۰۰ کالری انرژی نیاز دارد، در نظر گرفته شود، آنگاه، شکاف انرژی شهرنشینان و روستاییان نسبت به حد توصیه شده برای سال ۶۸ به ترتیب به ۴۰٪ و ۱۰٪ افزایش می‌یابد و برای سال ۷۲ نیز وضعیت به این ترتیب به ۶۰٪ و ۹۰٪ تغییر خواهد کرد. به شکاف مواد کالری زا از درجه دیگری نیز می‌توان نگریست، یعنی از طریق بررسی درصد افراد از جامعه که در حد ۱۰٪+ استاندارد قرار دارند. چنین برخوردی با مسأله، درک صحیح‌تری از توزیع انرژی را فراهم خواهد آورد. قشرهایی که مازاد انرژی آنان کمتر از ۱۰٪ حد استاندارد باشد و یا به عبارت دیگر، انرژی دریافتی آنان کمتر از ۲۲۸۴ کالری باشد، از حاشیه امنیت کمی برخوردار هستند و به طور بالقوه، درگیر کمبود انرژی خواهند بود. بر این اساس، در سال ۶۸، ۴۰٪ روستاییان در این دامنه قرار گرفته‌اند در حالیکه شهرنشینان اصولاً کمبودی از این بابت نداشته‌اند. در سال ۷۲، ۶۰٪ روستاییان و ۸۰٪ شهرنشینان از چنین وضعیتی برخوردار بوده‌اند.

با استفاده از ارقام جدول‌های (۲) الی (۵)، شکاف‌های مربوط به ارزش‌های غذایی مختلف طی سال ۶۸ و ۷۲ استخراج شده و در جداول منعکس می‌باشد. براساس محاسبات (باتوجه منابع مختلف) هر فرد از اعضای خانوار ۵ نفره ایرانی، روزانه به ۹۶۰ میلی‌گرم سفر نیاز دارد. محاسبه‌های انجام شده بیانگر آن است که شکاف تغذیه در شهر و روستا بیشتر شده اما شدت افزایش دامنه شکاف در مناطق شهری استان بیشتر بوده است.

با مقایسه شکاف تغذیه در مناطق شهری و روستایی استان اصفهان، ملاحظه می‌شود که تغذیه روستاییان نسبت به شهرنشینان در موقعیت برتری قرار دارد، بررسی‌های پیش‌گفته مؤید آن است که طی دوره مورد بررسی، شکاف‌های تغذیه‌ای ناپایدار بوده‌اند و نه تنها بهبودی در وضعیت تغذیه‌ای شهرنشینان و روستاییان حاصل نشده بلکه وضعیت، تهدیدکننده‌تر هم شده است.

طبیعتاً این امر با سیاست‌های کلان اجرایی این دوه (۶۸-۷۲)، بی‌ارتباط نمی‌باشد. با مراجعه به جدول‌های (۷) و (۸) ملاحظه می‌شود که ارزش‌های غذایی دریافتی شهروندان اصفهانی در سال ۷۲ نسبت به سال ۶۸، نامناسب‌تر می‌باشد. متناهی این ویژگی نزد فرد شاخص شهری و روستایی کم‌درآمد، با شدت کمتری به چشم می‌خورد. این نتایج نیز تأیید دیگری است بر این که طی دوره اجرای برنامه پنج ساله اول عمرانی، وضعیت گروه‌های بسیار کم درآمد و بسیار پردرآمد بهبود یافته، درحالی که وضعیت گروه‌های متوسط نامساعدتر شده است. درحالی‌که این گروه‌های متوسط درآمدی هستند که می‌توانند قافله سالار فرایند توسعه باشند، اما متأسفانه اجرای برنامه عمرانی اول جمهوری اسلامی ایران موجب شده است که این قشر حتی از لحاظ تغذیه در موقعیت نامناسب‌تری قرار گیرد. شایان تأکید است که شهرنشینان، به دلیل وجود نظام حمایتی فراگیرتر در مناطق شهری، در مقایسه با روستاییان نسبت به نظام حمایتی از حساسیت بیشتری برخوردار هستند، از این‌رو، ملاحظه می‌شود که حذف یا محدودیت این نظام موجب می‌گردد که ارزش‌های غذایی دریافتی شهرنشینان (فرد شاخص و قشرهای کم درآمد) نسبت به

روستاییان، نوسانات بیشتری داشته باشد. در حقیقت، به معنای عدم تضمینی است که حذف نظام حمایتی برای شهروندان فراهم آورده است.

۴. آزمون آماری: تحلیل واریانس یک طرفه

به منظور آزمون معنی‌داری نتایج استخراج شده و تأیید یا عدم تأیید تغییرات به وقوع پیوسته، از تحلیل واریانس و آماره F استفاده گردید. اصولاً، تحلیل واریانس یک طرفه در ارتباط با یک متغیر وابسته مقداری (مواد اساسی غذایی دریافتی توسط فرد نوعی) با یک متغیر منفرد عامل (سیاستهای تعدیل) انجام می‌گیرد. به منظور پاسخ به این سؤال که آیا میانگین‌ها قبل از اعمال سیاست و پس از اعمال سیاست برابرند یا خیر، پذیرش یا عدم پذیرش تغییر توسط آماره F از لحاظ آماری مورد آزمون قرار می‌گیرد. در این نوع آزمون‌ها، علاوه بر تعیین اختلاف موجود میان میانگین‌ها، ممکن است علاقمند باشیم که بدانیم کدامیک از میانگینها متفاوت است. دو نوع آزمون در جریان مقایسه میانگین‌ها مطرح است: مقایسه‌های مقدماتی و آزمون‌های بعد از اعمال. همچنین، می‌توان روندها را در مقابل گروه‌ها، مورد آزمون قرار داد.

همانگونه که قبلاً اشاره شد، سال ۶۸، سال شروع اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری و سال ۷۲ سال اوج این سیاست‌ها، می‌باشد. به همین دلیل، در این تحقیق، تحلیل واریانس روی میانگین مواد اساسی غذایی دریافتی توسط فرد نوعی، به طور کلی، به تفکیک شهری و روستایی طی دو دوره ۶۸ و ۷۲ انجام گرفت. نتایج حاصل در جداول (۱۰) الی (۱۲) ارائه شده است.

براساس ارقام جداول، در سطح کل استان اصفهان، تغییرات مصرف کالری، پروتئین و فسفر از لحاظ آماری معنی‌دار است زیرا آماره F برای این سه قلم به ترتیب برابر با ۱۰/۲، ۷/۵ و ۲/۶ و بزرگتر از ۲ می‌باشد اما در مورد تغییرات مصرف کلسیم و آهن طی این دو دوره نمی‌توان تغییر معنی‌داری را در این اقلام کالا استنباط نمود (جدول ۱۰).

در مناطق روستایی اصفهان نیز همانگونه که آماره F در ارتباط با آزمون تغییرات مصرف اقلام اساسی غذایی به ترتیب برای این سه قلم یعنی کالری، پروتئین و فسفر برابر با $۲/۱۳$ ، $۴/۹$ و $۳/۴۳$ و بزرگتر از ۲ می‌باشد، لذا از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشند. اما تغییرات مصرف کلسیم و آهن طی این دو دوره از لحاظ آماری (F به ترتیب برابر با $۱/۳$ و $۱/۲$) معنی‌دار نیست (جدول ۱۱).

مناطق شهری استان اصفهان نیز طی دو دوره ۶۸ و ۷۲، تغییرات معنی‌داری از لحاظ آماری در الگوی مصرف مواد کالری‌زا، پروتئین دار و فسفردار داشته اند زیرا آماره F حاصل از تحلیل واریانس برای این اقلام به ترتیب ۱۴، $۴/۱۴$ و $۳/۸$ می‌باشد. درحالی که این تغییرات از لحاظ آماری برای کلسیم و آهن با آماره‌های F برابر با $۰/۶۶۳$ و $۰/۹۰۶$ معنی‌دار نیست (جدول ۱۲).

جمع‌بندی و ملاحظات

نتایج حاصل از ارزیابی الگوی تغذیه در مناطق شهری و روستایی استان اصفهان و بررسی‌های انجام شده در ارتباط با وضعیت تغذیه‌ای جامعه شهری و روستایی استان اصفهان، نشان می‌دهد که الگوی تغذیه در این استان مبین چند خصلت آشکار می‌باشد:

اولاً، طی سال ۶۸، فرد شاخص شهری و روستایی در استان اصفهان، طی سال ۶۸، همواره بیش از حد استاندارد انرژی، پروتئین، آهن و کلسیم دریافت داشته است. در حالی که این وضعیت در سال ۷۲ (سال پایان برنامه اول عمرانی جمهوری اسلامی ایران) به طور کلی متحول شده است، به گونه‌ای که فرد شاخص شهری استان اصفهان از لحاظ مواد انرژی‌زا، مواد پروتئینی و مواد کلسیم‌دار در شرایط سوء تغذیه قرار گرفته است. در حالی که به نظر می‌رسد وضعیت تغذیه‌ای یک فرد شاخص روستایی در استان اصفهان، در سال ۷۲، نسبت به فرد شاخص شهری استان بهتر شده باشد زیرا در سال ۷۲، فرد شاخص روستایی استان اصفهان فقط نسبت به دریافت مواد کلسیم‌دار در شرایط سوء تغذیه

قرارداد و بقیه ارقام را بیش از حد استاندارد مصرف می‌نماید. اگرچه در سال ۷۲، سطح مصرف ارقام مختلف فرد شاخص روستایی افت داشته است.

این نتایج، احتمالاً نشان دهنده این واقعیت است که معمولاً نظام‌های سهمیه بندی و پرداخت یارانه در مناطق شهری، گسترده‌تر و مؤثرتر عمل نموده و زمانی که حذف و یا محدود می‌شوند، میزان آسیمی که از این جهت به مناطق شهری می‌رسد، بیشتر است. تجدید سازمان و افزایش کارآیی بازار از طریق حذف یارانه و سهمیه بندی‌های مربوط به قبل از انقلاب و زمان جنگ، هدف اصلی اجرای این سیاست‌ها بوده است. اما این اقدامات، اقتصاد را در معرض تکانه‌های منفی گسترده به همراه فشارهای تورمی بالای داخلی قرار داده و ملاحظه می‌گردد که این حذف و محدودیت، چون به طور آگاهانه و با انجام مطالعات تحلیلی در این ارتباط نبوده است، آثار سوء خود را به خوبی، به ویژه در ارتباط با امنیت غذایی شهروندان، حداقل بر مبنای محاسبات انجام شده در استان اصفهان، به منصفه ظهور رسانده است.

دوم، اطلاعات حاصل از تحقیق حاضر حاکی از آن است که اگرچه در سال ۶۸، همواره ارزش‌های غذایی دریافت شده توسط فرد شاخص شهری، بیش از دریافتی فرد شاخص روستایی است اما در سال ۷۲، وضعیت عکس شده و به نظر می‌رسد که این فرد شاخص روستایی است که بیش از فرد شاخص شهری مواد غذایی دریافت می‌کند (جداول ۵ و ۶).

سوم، مقایسه وضعیت تغذیه‌ای جوامع شهری و روستایی، نشان می‌دهد که ارزش‌های دریافتی فرد شاخص شهری از یک روند به شدت نزولی برخوردار است و در سال ۷۲، فرد شاخص شهری در مقایسه با فرد شاخص روستایی در سال ۶۸، در موقعیت نامناسب‌تری قرار گرفته است.

پیوست

جدول ۱۰ - تحلیل واریانس یک طرف روی میانگین مواد اساسی غذایی دریافتی

در سطح کل استان اصفهان

دامنه معنی‌داری آماره	آماره F	میانگین مجدورات	درجه آزادی	حاصل جمع مجدورات	تغییرات مصرف تبیین شده توسط
۰/۰۰۳	۲,۱۰	۱/۲۰E+۰۸ ۱۱۸۱۳۵۹۶	۱ ۳۸ ۳۹	۱/۲۰E+۰۸ ۴/۴۹E+۰۸ ۵/۶۹E+۰۸	انرژی: تفاوت میانگین‌ها تغییرات تصادفی کل
۰/۰۰۹	۷/۵	۳۱۱۳۰/۴۵۳ ۴۱۳۲/۷	۱ ۳۸ ۳۹	۳۱۱۳۰/۵ ۱۵۷۰۴۲/۰۵ ۱۸۸۱۷۲/۵	پروتئین: تفاوت میانگین‌ها تغییرات تصادفی کل
۰/۲۵	۱/۴	۷۷۳/۳ ۵۶۷/۹۴	۱ ۳۸ ۳۹	۷۷۳/۳ ۲۱۵۴۳/۵۳ ۲۲۳۱۶/۸۳	آهن: تفاوت میانگین‌ها تغییرات تصادفی کل
۰/۲۶۳	۱/۳	۱۷۰۶۱۰/۳۹ ۱۳۲۶۷/۸	۱ ۳۸ ۳۹	۱۷۰۶۱۰/۳۹ ۵۰۲۲۳۷۵/۲ ۵۱۹۲۹۸۵/۶	کلسیم: تفاوت میانگین‌ها تغییرات تصادفی کل
۰/۱۱۴	۲/۶۳	۹۷۱۴۵۶۷/۳ ۳۷۱۷۹۶۸/۸	۱ ۳۸ ۳۹	۹۷۱۴۵۶۷/۳ ۱/۴۱E+۰۸ ۱/۵۱E+۰۸	فسفر: تفاوت میانگین‌ها تغییرات تصادفی کل

ماخذ: محاسبات گروه تحفیق

جدول ۱۱ - تحلیل واریانس یک طرف روی میانگین مواد اساسی غذایی دریافتی

در مناطق روستایی استان اصفهان

دامنه معنی داری آماري	آماره F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	حاصل جمع مجذورات	تغییرات مصرف تبیین شده توسط
۰/۱۶۳	۲/۳۱	۲۲۰۲۳۱۸/۵	۱	۲۲۰۲۳۱۸/۵	انرژی: تفاوت میانگین ها تغییرات تصادفی کل
		۱۰۳۳۷۲۵۰/۵	۱۷	۱۷۵۷۳۳۳۷	
			۱۸	۱۹۷۷۵۶۵۶	
۰/۰۴۱	۴/۹	۶۳۶۴/۴	۱	۶۳۶۴/۴	پروتئین: تفاوت میانگین ها تغییرات تصادفی کل
		۱۲۹۹/۳۵	۱۷	۲۲۰۸۸/۹۱	
			۱۸	۲۸۴۵۳/۳	
۰/۲۹۲	۱/۲	۱۱۷/۹۲	۱	۱۱۷/۹۲	آهن: تفاوت میانگین ها تغییرات تصادفی کل
		۹۹/۶	۱۷	۱۶۹۳/۰۳	
			۱۸	۱۸۱۰/۹۵۴	
۰/۲۷۵	۱/۲۷	۵۷۳۵۹/۸۴	۱	۵۷۳۵۹/۸۴	کلسیم: تفاوت میانگین ها تغییرات تصادفی کل
		۵۴۱۱۸/۴۳	۱۷	۷۶۷۰۱۳/۳	
			۱۸	۸۲۴۳۷۳/۱۲	
۰/۰۸۱	۳/۴۳۲	۱۶۹۳۵۶/۱۷	۱	۱۶۹۳۵۶/۱۷	فسفر: تفاوت میانگین ها تغییرات تصادفی کل
		۴۹۳۷۰/۸۶۳	۱۷	۸۳۸۷۹۴/۶۸	
			۱۸	۱۰۰۸۱۵/۸	

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

جدول ۱۲ - تحلیل واریانس یک طرف روی میانگین مواد اساسی غذایی دریافتی

در مناطق شهری استان اصفهان

دامنه معنی‌داری آماري	آماره F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	حاصل جمع مجذورات	تغییرات مصرف تبیین شده توسط
۰/۰۰۲	۱۳/۹۱۲	۲/۰۱E+۰۸	۱	۲/۰۱E+۰۸	انرژی: تفاوت میانگین‌ها تغییرات تصادفی کل
		۱۴۴۶۲۴۳۶	۱۸	۲/۶۰E+۰۸	
			۱۹	۴/۶۲E+۰۸	
۰/۰۰۷	۴/۱۲۶	۲۸۶۹/۵	۱	۲۸۶۹/۵	پروتئین: تفاوت میانگین‌ها تغییرات تصادفی کل
		۶۹۴۸/۱	۱۸	۱۲۵۰۶۵/۸	
			۱۹	۱۵۳۷۳۵/۲۸	
۰/۳۵۴	۰/۹۰۶	۸۹۳/۵۳۴	۱	۸۹۳/۵۳۴	آهن: تفاوت میانگین‌ها تغییرات تصادفی کل
		۹۸۶/۶۳	۱۸	۱۷۷۵۹/۳۴۷	
			۱۹	۱۸۶۵۲/۹	
۰/۴۲۶	۰/۶۶۳	۱۴۶۴۱۹/۲۴	۱	۱۴۶۴۱۹/۲۴	کلسیم: تفاوت میانگین‌ها تغییرات تصادفی کل
		۲۲۱۰۰۵/۹۴	۱۸	۳۹۷۸۱۰۶/۹	
			۱۹	۴۱۲۴۵۲۶/۲	
۰/۰۶۸	۳/۸	۲۳۷۰۲۸۶۶	۱	۲۳۷۰۲۸۶۶	فسفر: تفاوت میانگین‌ها تغییرات تصادفی کل
		۶۲۸۸۴۸۴/۹	۱۸	۱/۳۱E+۰۸	
			۱۹	۱/۳۷E+۰۸	

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

منابع

۱. امیر احمدی، هوشنگ. (۱۳۷۵)، پویایی شناسی توسعه و نابرابری استان‌ها در ایران (۶۳-۱۳۳۵)، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۰۸-۱۰۹.
۲. پژوهش‌ها، جمشید. (۱۳۷۳)، سیاست‌های حمایتی از قشرهای آسیب‌پذیر، وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت اقتصادی
۳. پژوهش‌ها، جمشید. (۱۳۷۳)، تحلیل تأثیر سیستم حمایتی در کیفیت تغذیه گروه‌های درآمدی ایران، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال دوم، شماره ۲، وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاون اقتصادی.
۴. دینی ترکمانی، علی. (۱۳۷۹)، امنیت غذایی و برآورد آن در ایران، پژوهشنامه بازرگانی فصلنامه شماره ۱۴، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
۵. جورج، سوزان. (۱۹۷۶)، چگونه نیمی دیگر می‌میرند، ترجمه مهدی قره‌باغی، انتشارات نی
۶. بختیاری صادق. (۱۳۷۲)، بحران بدهی‌های خارجی کشورهای جهان سوم و تعدیل اقتصادی، مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد، سال هفتم، شماره اول، ص. ۹.
۷. مرزوقی، حسن. (۱۳۷۸) امنیت غذایی در کشورهای اسلامی، پژوهشنامه بازرگانی، فصلنامه شماره ۱۰، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
۸. مرزوقی، حسن. (۱۳۷۸)، سیاست‌های ارزی و تجاری در اقتصاد ایران، تازهای اقتصاد، شماره ۸۲، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
۹. مرزوقی، حسن. (۱۳۷۸)، جدول ترکیبات مواد غذایی ایران، انتشارات انستیتو علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران
۱۰. استوارت، فرانسیس (۱۳۷۶)، تعدیل اقتصادی و فقر: گزینه‌ها و انتخاب‌ها، ترجمه علی دینی و سیامک استوار، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ص ۲۵.
۱۱. وفادار مقدم، حمیدرضا (۱۳۷۵)، برآورد یارانه آشکار و پنهان گندم و آرد، مجله برنامه و بودجه، شماره ۱۸، ص، ۵۵.
12. World Bank (1990), *World Development Report*, Washington DC. World Bank P. 103
13. Zuckerman E. (1989), *Adjustment Program and Social Welfare*, Discussion Paper 44. Washington DC: World Bank World Bank.